

Islamic Knowledge and Insight

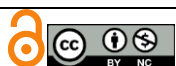
Educational Implications Derived from the Analysis of the Concept of Aesthetics in Moral Education within Religious Teachings

1. Zeinab Chavoshzadeh: Department of Educational Sciences, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Cobra Emami*: Department of Educational Sciences, Iz.C., Islamic Azad University, Izeh, Iran. (Email: C.emami@iau.ac.ir)
3. Jahanbakhsh Rahmani: Department of Educational Sciences, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract

The purpose of this study was to explain the educational implications derived from analyzing the concept of aesthetics in moral education within religious teachings. The research approach and data were both qualitative and quantitative. Logical analysis was employed to identify the educational implications, and the Lawshe content validity ratio method was used for validation. Data collection methods were library-based for the theoretical part and field-based for the validation part, in which 12 experts in the field of education were purposefully sampled. For data analysis, the thematic analysis method was applied. Findings indicated that, based on the educational outcomes of the aesthetic perspective on the concept of moral education, ten educational implications can be identified: (1) the use of artistic and metaphorical language and discourse in teaching moral concepts; (2) the application of aesthetic-based teaching methods; (3) the design of attractive educational spaces for the internalization of moral concepts; (4) the use of the potential of beautiful and inspiring environments in education; (5) the promotion of beauty through moral role models; (6) establishing a connection between moral virtues and aesthetic values; (7) the use of art as an educational tool to strengthen practical morality; (8) aligning aesthetics with a moral lifestyle; (9) integrating aesthetics with spirituality and religious morality; and (10) applying harmony and order in education. The results also showed that aesthetic-based educational implications in moral education enjoy a high degree of validity from the perspective of experts. The outcomes emphasized strengthening religious moral education through aesthetics, including the design of inspiring environments, the use of art and creative teaching methods, the promotion of moral language and role models, and the integration of beauty, spirituality, and a moral lifestyle.

Keywords: religious teachings, moral education, moral aesthetics, Qur'anic aesthetics, educational implications



How to cite: Chavoshzadeh, Z., Emami, C., & Rahmani, J. (2026). Educational Implications Derived from the Analysis of the Concept of Aesthetics in Moral Education within Religious Teachings. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(2), 1-18.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 May 2025

Revise Date: 23 September 2025

Accept Date: 30 September 2025

Initial Publish: 05 October 2025

Final Publish: 23 August 2026

معرفت و بصیرت اسلامی

استلزامات تربیتی حاصل از تحلیل مفهوم زیبایی‌شناسی تربیت اخلاقی در آموزه‌های دینی

۱. زینب چاوش زاده: گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. کبری امامی*: گروه علوم تربیتی، واحد ایزه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایزه، ایران. (پست الکترونیک: C.emami@iau.ac.ir)
۳. جهانبخش رحمانی: گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

هدف این پژوهش تبیین استلزامات تربیتی حاصل از تحلیل مفهوم زیبایی‌شناسی تربیت اخلاقی در آموزه‌های دینی بود. رویکرد و نوع داده‌های تحقیق کیفی و کمی بود؛ برای شناسایی استلزامات تربیتی از تحلیل منطقی و برای اعتبارسنجی آن‌ها از روش ارزیابی با ضریب لاوشه استفاده شد. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و در بخش اعتبارسنجی، میدانی بود و از ۱۲ نفر از متخصصان حوزه تعلیم و تربیت به صورت هدفمند نمونه‌گیری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل موضوعی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بر اساس نتایج تربیتی مبتنی بر زیبایی‌شناسی مفهوم تربیت اخلاقی می‌توان به ده مورد استلزامات تربیتی دست یافت که عبارتند از ۱- استفاده از زبان و گفتمان هنری و استعاره در آموزش مفاهیم اخلاقی؛ ۲- استفاده از روش‌های آموزشی مبتنی بر زیبایی‌شناسی؛ ۳- طراحی فضای آموزشی جذاب برای درونی‌سازی مفاهیم اخلاقی؛ ۴- استفاده از ظرفیت محیط‌های زیبا و الهام‌بخش در آموزش؛ ۵- ترویج زیبایی با بهره‌گیری از اسوه‌های اخلاقی؛ ۶- ایجاد ارتباط میان فضایل اخلاقی و زیبایی‌ها؛ ۷- استفاده از هنر به عنوان ابزار تربیتی برای تقویت اخلاق عملی؛ ۸- هماهنگی زیبایی‌شناسی با سبک زندگی اخلاقی؛ ۹- ارتباط زیبایی‌شناختی با معنویت و اخلاق دینی؛ ۱۰- به کارگیری هماهنگی و نظم در تربیت. یافته‌ها همچنین نشان داد که استلزامات تربیتی مبتنی بر زیبایی‌شناسی در تربیت اخلاقی از دیدگاه متخصصان از اعتبار بالایی برخوردار است. نتایج به دست آمده بر تقویت تربیت اخلاقی دینی از طریق زیبایی‌شناسی متمرکزند و شامل طراحی محیط‌های الهام‌بخش، بهره‌گیری از هنر و روش‌های آموزشی خلاقانه، ترویج زبان و الگوهای اخلاقی و پیوند میان زیبایی، معنویت و سبک زندگی اخلاقی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: آموزه‌های دینی، تربیت اخلاقی، زیبایی‌شناسی اخلاق، زیبایی‌شناسی قرآن، استلزامات تربیتی

شیوه استناددهی: چاوش زاده، زینب، امامی، کبری، و رحمانی، جهانبخش. (۱۴۰۵). استلزامات تربیتی حاصل از تحلیل مفهوم زیبایی‌شناسی تربیت اخلاقی در آموزه‌های دینی. معرفت و بصیرت اسلامی، ۴(۲)، ۱-۱۸.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۸ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱۶ مرداد ۱۴۰۵

مقدمه

جوامع انسانی همواره در تلاش بوده‌اند تا شرایطی مطلوب برای زیست، رشد و شکوفایی انسان فراهم آورند و بدین‌وسیله او را به مرتبه‌ای شایسته از فضایل انسانی ارتقا دهند. با وجود این تلاش‌ها، گسترش نابسامانی‌های اخلاقی و پیامدهای منفی آن در جوامع معاصر، نگرانی‌های عمیقی را در میان مربیان و اندیشمندان نظام‌های تربیتی و اخلاقی برانگیخته است. از منظر استلزامات تربیتی، این وضعیت نشان می‌دهد که نهادهای آموزشی و فرهنگی باید بیش از گذشته به پرورش اخلاق و بنیان‌گذاری سازوکارهای مؤثر برای انتقال و درونی‌سازی ارزش‌ها توجه کنند. تمایل به رشد اخلاقی ریشه در کمال‌خواهی فطری انسان دارد، اما این گرایش درونی تنها زمانی به فعلیت می‌رسد که عوامل بیرونی و محیطی زمینه مساعدی برای شکوفایی آن فراهم آورند. از این رو، تربیت اخلاقی یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های آموزش و پرورش معاصر است و تحقق آن مستلزم طراحی و بازنگری مستمر در برنامه‌های درسی، روش‌های آموزشی و فضای مدرسه متناسب با فرهنگ جوامع است (Althof & Berkowitz, 2006).

اسلام به عنوان دینی انسان‌ساز که غایت آن رساندن انسان به کمال وجودی و قرب الهی است، تأکید ویژه‌ای بر اخلاق و تربیت اخلاقی دارد. بخش بزرگی از آیات قرآن کریم به موضوع اخلاق اختصاص یافته و سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز نمونه‌ای غنی و راهنما در این حوزه به شمار می‌آید. از منظر استلزامات تربیتی، این منابع دینی الزام می‌آورند که مربیان نه تنها به انتقال گزاره‌های اخلاقی بپردازند، بلکه زمینه‌ی تحقق عملی آن‌ها در رفتار روزمره متربیان را نیز فراهم آورند. به بیان دیگر، نظام تربیتی باید نویدبخش حرکت به سمت فضایل اخلاقی و بازدارنده از ضد ارزش‌ها باشد و بدین طریق، تربیت را با حیات واقعی فرد و جامعه پیوند زند (Mousavi et al., 2014). مولفه‌ها و ملاک‌های تربیت اخلاقی متناسب با شرایط و اولویت‌های جوامع متفاوت‌اند، اما آنچه مسلم است این که ارزش‌های اخلاقی در تمام عرصه‌های زندگی

جاری‌اند و مقاصد، محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت بر اساس آن‌ها برنامه‌ریزی می‌شود (Frisancho & Delgado, 2018). از منظر تربیتی، این امر ایجاب می‌کند که مدیران آموزشی و معلمان، اخلاق را نه یک حوزه جانبی، بلکه محور اصلی سازمان‌دهی فرآیند یاددهی - یادگیری قرار دهند.

تربیت اخلاقی را می‌توان فرایندی چندبعدی دانست که تغییرات عمیقی در ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری ایجاد می‌کند. در بعد شناختی، آشنایی با مفاهیم و اصول اخلاقی و تقویت توانایی استدلال درباره مسائل اخلاقی مد نظر است. استلزامات تربیتی این بعد نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی باید فرصت‌هایی برای بحث، گفت‌وگو و تفکر انتقادی درباره معضلات اخلاقی فراهم آورند تا دانش‌آموزان بتوانند میان خوب و بد تمایز گذارند (باقری، ۱۳۹۸). در بعد عاطفی، هدف پرورش هیجاناتی چون همدلی و شفقت است که زمینه‌ساز درک اخلاقی و انگیزش رفتار اخلاقی‌اند (Eisenberg, 2000). بنابراین از منظر آموزشی، معلمان موظفند روش‌ها و فعالیت‌هایی طراحی کنند که احساسات اخلاقی را تحریک کرده و زمینه درونی‌سازی ارزش‌ها را فراهم نمایند. بعد رفتاری نیز بر کاربرد اصول اخلاقی در زندگی واقعی تمرکز دارد و ایجاب می‌کند که نظام تعلیم و تربیت با تشویق فعالیت‌های اجتماعی و خیرخواهانه، دانش‌آموزان را به تمرین عملی فضایل سوق دهد. در کنار این ابعاد، بعد اجتماعی تربیت اخلاقی نیز اهمیت می‌یابد؛ چراکه تعاملات همسالان، ساختار خانواده و زمینه‌های فرهنگی بر شکل‌گیری ارزش‌ها اثرگذارند (Nucci, 2020). از منظر استلزامات تربیتی، این بعد نشان می‌دهد که مدارس باید به ایجاد فضاهای تعاملی مثبت، تقویت کار گروهی و بازتولید ارزش‌های فرهنگی اصیل اهتمام ورزند. همچنین، بعد معنوی تربیت اخلاقی که شامل عدالت، صداقت، احترام و رابطه با خداوند است (Nasr, 2015)، از مربیان می‌خواهد که در برنامه‌های آموزشی فضایی برای تعمیق ایمان، عبادت و پرورش فضایل معنوی فراهم کنند.

بعد زیبایی‌شناختی تربیت اخلاقی، پیوند میان زیبایی، هنر و اخلاق را برجسته می‌کند. تجربه‌های زیبایی‌شناختی می‌توانند پرسش‌های اخلاقی را برانگیزند، تأمل اخلاقی را تقویت کنند و زمینه‌ای برای همدلی و درک عمیق‌تر فراهم سازند (Dutton, 2009; Nussbaum, 2010; O'Neill, 2016). استلزامات تربیتی این بعد آشکار می‌سازد که مربیان باید از هنر به عنوان ابزاری تربیتی بهره گیرند؛ چه از طریق روایت، چه از طریق نمایش و چه از طریق فعالیت‌های خلاقانه. تحلیل آثار هنری نه تنها تفکر انتقادی درباره مسائل اخلاقی را برمی‌انگیزد، بلکه چشم‌اندازهای گوناگونی را در اختیار دانش‌آموزان می‌گذارد و ظرفیت همدلی را تقویت می‌کند. از این منظر، ضرورت دارد که نظام آموزشی، هنر و زیبایی را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند رشد اخلاقی در برنامه‌های رسمی و غیررسمی خود ادغام نماید.

اسلام نیز تربیت اخلاقی را در چارچوبی جامع و چندبعدی می‌نگرد؛ چارچوبی که هم ابعاد معنوی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و رفتاری را دربرمی‌گیرد و هم بر هماهنگی میان باطن و ظاهر انسان تأکید دارد. از منظر استلزامات تربیتی، این نگاه جامع ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاران و مربیان دینی نه تنها به آموزش گزاره‌های اخلاقی بسنده نکنند، بلکه در طراحی محتوا، روش‌ها و محیط‌های آموزشی، پیوندی عمیق میان تعالیم قرآنی، الگوهای معصومین (ع) و نیازهای نسل امروز برقرار سازند.

زیبایی‌دوستی به عنوان یکی از نیازهای فطری انسان، جایگاهی ویژه در تربیت دارد. این امر الزاماً به این معناست که نظام تعلیم و تربیت باید توسعه حس زیبایی‌شناختی مربیان و متربیان را به‌ویژه بر پایه منابع دینی دنبال کند و برای تحقق آن تمهیدات عملی بیندیشد. به‌کارگیری عناصر زیبایی‌شناختی در فرآیند آموزش، هم ذائقه زیبایی‌شناختی را تقویت می‌کند و هم ظرفیت متربیان برای درونی‌سازی ارزش‌ها و اصول اخلاقی را ارتقا می‌بخشد. بنابراین از منظر تربیتی، بهره‌گیری از زیبایی‌شناسی نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اهمیت پژوهش درباره جنبه زیبایی‌شناسی تربیت اخلاقی در این است که زیبایی می‌تواند شیوه درک و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی را متحول سازد. یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهند زمانی که آموزه‌های اخلاقی در قالب‌های زیباشناختی بیان شوند، ارتباطی عاطفی و عمیق‌تر ایجاد می‌گردد و ارزش‌ها ماندگارتر و اثرگذارتر می‌شوند (Brady, 2019; Saleh, 2021). از منظر استلزامات تربیتی، این نتیجه ایجاب می‌کند که مربیان از روایت، استعاره و تصویرسازی در آموزش بهره بگیرند تا مفاهیم اخلاقی برای یادگیرندگان جذاب‌تر و معنادارتر شود.

در عصر جدید که تکنولوژی و رسانه‌های تصویری فضای زندگی انسان را دربر گرفته‌اند و نسل جوان در معرض انبوهی از جذابیت‌های بصری و فرهنگی قرار دارد، توجه به بعد زیبایی‌شناسی تربیت اخلاقی ضرورتی دوچندان می‌یابد. از منظر استلزامات تربیتی، این واقعیت نشان می‌دهد که نظام‌های آموزشی باید با استفاده از هنر، زیبایی و عناصر دینی، جایگزینی اصیل و جذاب در برابر هجوم فرهنگی و بصری معاصر ارائه دهند. بدین ترتیب، می‌توان از ظرفیت هنرهای تجسمی و نمایشی در تعمیق تربیت دینی و اخلاقی بهره برد (Miu, 2024; Saminatech, 2024). تربیت اخلاقی فرآیندی پیچیده و چندبعدی است که تحقق آن مستلزم توجه جدی به استلزامات تربیتی است. این استلزامات از مربیان می‌خواهد که آموزش اخلاق را از سطح انتقال دانش فراتر برده و آن را به تجربه‌ای زیباشناختی، عاطفی و عملی بدل کنند؛ تجربه‌ای که ارزش‌ها را درونی ساخته و شخصیت‌مربی را در جهت هماهنگی با فضایل انسانی و الهی شکل دهد.

اصغرزاده و همکاران (۱۴۰۳) با هدف شناخت و گسترش فهم ابعاد زیبایی‌شناسی در فعالیت‌های تربیتی مدارس، از داده‌های کیفی اکتشافی حاصل از ۲۸ منبع غربی و ۴۵ منبع مرتبط با سند تحول بنیادین استفاده کردند و نشان دادند که مدل مفهومی زیبایی‌شناسی می‌تواند در فعالیت‌های تربیتی منجر به تربیت اخلاقی، اجتماعی و عقلانی دانش‌آموزان شود (Asgharzadeh et al., 2024).

را شناسایی کردند و مطابقت بالای آموزه‌های قرآنی با اسناد بالادستی برنامه درسی را تأیید نمودند (Tahmasbzadeh, Sheikhlar & Jalilzadeh, 2021).

سایر پژوهش‌ها نیز به ابعاد کاربردی تربیت اخلاقی و زیباشناسی در نظام آموزشی پرداختند؛ وجدانی (۱۴۰۰) شرایط اثربخشی ارزیابی هم‌تا در تربیت اخلاقی را مورد بررسی قرار داد (Vojdani & Saeedi, 2021) و اکرمی (۱۴۰۰) وضعیت تربیت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان را بر اساس شاخص‌های سند تحول تحلیل کرد (Akrami et al., 2021). زمانی کوخالو و همکاران (۱۴۰۰) به نقش تربیت ارزش‌های اخلاقی در تعالی کمالات انسانی پرداختند (Zamani Koukhaloo et al., 2021) و تجری و همکاران (۱۳۹۹) عناصر الگوی برنامه درسی تربیت زیباشناسی در دوره ابتدایی را مبتنی بر آموزه‌های قرآن استخراج کردند (Tajri et al., 2020). شربتدار (۱۳۹۹) سبک‌های زیباشناختی آیات قرآن جزء سی را بررسی کرد و نشان داد ساختارهای هنری و نظم‌آهنگ آیات اثرگذاری تربیتی دارند (Sharbatdar, 2020). آدم‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) با بهره‌گیری از معرفت‌شناسی علامه طباطبائی، تفکر چندوجهی در تربیت زیباشناختی را مطرح کردند و بر تقویت عقل، احساس و ذائقه زیبایی‌شناختی تأکید نمودند (Adamzadeh et al., 2016).

تحقیقات اخیر نیز نشان می‌دهد که زیبایی‌شناسی نه تنها در فضای آموزشی، بلکه در زندگی اجتماعی و تعاملات انسانی نقش برجسته‌ای دارد؛ شاه و مصطفی (۲۰۲۴) نشان دادند که زیبایی‌شناسی اسلامی باعث پرورش حس نظم، آرامش و کرامت در جامعه می‌شود (Shah & Mustafa, 2024) و اسکندرلو (۲۰۲۳)، الروجایی (۲۰۲۲) و المطیری (۲۰۲۱) مؤلفه‌های ادبی و زیبایی‌شناختی قرآن را به‌ویژه در قصه‌گویی و نظم و هماهنگی آیات تحلیل کردند (Al-Mutairi, 2024; Al Rujaibi, 2022; Eskandarlu, 2023).

دهقان منشادی و همکاران (۱۴۰۳) با تبیین مبانی زیبایی در قرآن، سه مولفه اصلی تناسب، معنا و هدفمندی را استخراج کردند و نشان دادند که اصول زیبایی‌شناسی قرآنی از طریق روش‌های زیباسازی معنوی، اخلاقی، محسوس و معقول فضای آموزشی، پیامدهای تربیتی قابل توجهی در تعامل مربی و متربی دارد (Dehghan Maneshadi et al., 2024).

بشارده و همکاران (۱۴۰۲) با تحلیل مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از منظر امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، چهار بعد معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی را شناسایی کردند که بر رشد معرفتی، اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان تأکید دارد (Bassareh et al., 2023). داوودی و همکاران (۱۴۰۱) تربیت اخلاقی فضیلت‌مند را به عنوان چارچوبی متفاوت برای نظام تربیتی کلان معرفی کردند که شکل‌گیری درونی کمال اخلاقی را در زندگی متربیان تضمین می‌کند (Davoodi et al., 2022). همچنین، علی‌پور مقدم و ملکی (۱۴۰۱) با شناسایی و اعتباربخشی مبانی و اهداف الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی، امکان دستیابی به مهارت‌ها و صلاحیت‌های اخلاقی دانش‌آموزان را نشان دادند (Alipour Moghaddam & Maleki, 2022).

مطالعات دیگری نیز به تبیین مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اخلاق سعادت و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی پرداخته‌اند؛ طالع‌فرد و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که حقیقت سعادت به کیفیت تربیت اخلاقی و حرکت انسان به سوی کمال و کرامت بستگی دارد (Taleifard et al., 2022). ناصری اسفندقه و همکاران (۱۴۰۱) روش‌های تربیت اخلاقی در نهج‌البلاغه را تحلیل کردند و آگاه‌سازی و بینش‌دهی را مؤثرترین روش تربیتی معرفی نمودند (Naseri Esfandehgeh et al., 2022). حسین‌زاده (۱۴۰۰) الگوی برای تربیت زیباشناسانه بر اساس مبانی زیبایی در قرآن ارائه داد که از تحقق زیبایی در باور، اندیشه و عمل فرد آغاز می‌شود (Hosseinzadeh, 2021). طهماسب‌زاده شیخ‌لار و همکاران (۱۴۰۰) مولفه‌های تربیت معنوی در آموزه‌های قرآنی و سکولاریسم

در سایر پژوهش‌های بین‌المللی، کولماتوف و تاجیبایف (۲۰۲۱) تعامل آموزش اخلاقی، زیباشناختی و محیطی را بررسی کردند و نشان دادند که تربیت اخلاقی و زیباشناختی با طبیعت ارتباطی ناگسستنی دارد (Kulmatov & Tajibayev, 2021). کارن (۲۰۱۹) به خاستگاه معرفت اخلاقی در سنت سقراطی پرداخت و ضرورت آموزش فلسفی برای درک وظایف اخلاقی طبیعی را برجسته نمود (Curren, 2019). مصطفی (۲۰۲۰) نیز دریافت زیباشناختی قرآن را در آثار خوشنویسی و بازنمایی بصری بررسی کرد و نشان داد که تجربه زیبایی‌شناختی می‌تواند در فرآیند تربیتی مؤثر باشد (Musthofa, 2020). باروت و همکاران (۲۰۱۸) اهمیت آموزش ارزش‌ها در مدارس را مورد تأکید قرار دادند (Musthofa, 2020) و گریگوری و اولیویرو (۲۰۱۸) نشان دادند که آموزش دینی و معنویت می‌تواند اهداف اخلاقی و تربیتی را در قالب هرمونوتیک، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی معنوی و معرفت‌شناختی تحقق بخشد (Gregory & Oliverio, 2018). این پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مطالعات داخلی و بین‌المللی بر استلزامات تربیتی با محوریت زیبایی‌شناسی، فلسفه اخلاق، آموزه‌های قرآنی و روش‌های تربیت اخلاقی و معنوی تأکید دارند و مدل‌ها و الگوهای مختلف ارائه شده، چارچوب غنی و پویایی برای طراحی نظام‌های تربیتی فراهم می‌کنند. این پژوهش‌ها در مجموع، ضرورت توجه به زیباشناسی، اخلاق، معنویت و تربیت فضیلت‌مند را به عنوان مبانی و الزامات تربیتی برجسته نشان می‌دهند.

با توجه به نقش محوری و اثرگذار بعد زیبایی‌شناسی در نظام تعلیم و تربیت و اهمیت آن در پرورش استعدادها و توانمندی‌های دانش‌آموزان، توجه به تربیت زیباشناسانه از ضرورت‌های اساسی در راستای تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش محسوب می‌شود. ضعف پژوهش در حوزه تربیت زیباشناسانه و اهمیت تربیت معنوی و اخلاقی در ساماندهی و ارتقای کیفیت زندگی انسانی، به‌ویژه در مواجهه با فضای خشن و بی‌روح دنیای ماشینی، یکی از چالش‌های اصلی نظام تعلیم و تربیت است. بر اساس جستجوهای

پژوهشگر، شواهد حاکی از آن است که تحقیقات اندکی در زمینه جنبه‌های زیبایی‌شناسانه تربیت دینی و اخلاقی در آموزه‌های دینی صورت گرفته است. از این‌رو، با تمرکز بر استلزامات تربیتی و بهره‌گیری از منابع دینی، می‌توان راهکارهایی ارائه نمود که ضمن تقویت بعد معنوی و اخلاقی فراگیران، با درک زیبایی‌شناسانه از آفرینش الهی، جایگاه تعلیم و تربیت در ارتقای اخلاقیات و معنویات را در چارچوب معیارهای اسلامی تقویت کند. این توجه به جنبه‌های زیباشناسانه، معنوی و اخلاقی، ضرورت پاسخگویی به نیازهای تربیتی دوران معاصر را برجسته می‌سازد و زمینه‌ساز معرفی الگویی نوین از تعلیم و تربیت اسلامی با رویکرد زیبایی‌شناسانه خواهد بود. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر روشن ساختن استلزامات تربیتی مرتبط با بعد زیبایی‌شناختی تربیت اخلاقی است و تلاش می‌کند به دو سؤال کلیدی پاسخ دهد: نخست، بعد زیبایی‌شناختی مفهوم تربیت اخلاقی چه استلزاماتی برای تربیت دارد و دوم، استلزامات تربیتی مبتنی بر بعد زیبایی‌شناختی مفهوم تربیت اخلاقی از دیدگاه متخصصان تا چه میزان اعتبار دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف تبیین استلزامات تربیتی حاصل از تحلیل مفهوم زیبایی‌شناسی تربیت اخلاقی در آموزه‌های دینی انجام شده و ماهیتی کیفی-نظری دارد. روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل منطقی-قیاسی است. در این رویکرد، ابتدا با استفاده از استدلال استقرایی، مفاهیم و آموزه‌های مرتبط با زیبایی‌شناسی تربیت اخلاقی از متون دینی و منابع تربیتی استخراج شد. سپس با بهره‌گیری از استدلال قیاسی، استلزامات تربیتی مرتبط با این مفاهیم در چارچوب نظام تعلیم و تربیت اسلامی و بر اساس معیارهای تربیت اخلاقی اسلامی طراحی گردید. این روش امکان استنتاج نتایج قابل تعمیم و ارائه الگوهای عملی برای تربیت اخلاقی را فراهم می‌آورد و با توجه به ماهیت مفهومی پژوهش، مناسب‌ترین رویکرد برای شناسایی استلزامات تربیتی محسوب می‌شود.

حوزه پژوهش متون دینی و تربیتی شامل قرآن، احادیث و منابع مرتبط با تربیت اخلاقی و زیبایی‌شناسی بود که بر اساس فهرست مفاهیم و الگوهای زیبایی‌شناسانه تربیت اخلاقی استخراج شده از متون دینی و تربیتی و تحلیل منطقی و به روش کدگذاری موضوعی، استلزامات تربیتی شناسایی شدند. جهت اعتبارسنجی استلزامات، جامعه آماری در بخش میدانی تحقیق، شامل ۱۲ نفر از متخصصان تعلیم و تربیت با سابقه پژوهشی و عملی در تربیت اخلاقی بود که سابقه حداقل ۵ سال تدریس در دانشگاه را داشتند. نمونه‌گیری در این بخش به صورت هدفمند انجام شد تا داده‌های معتبر و کاربردی برای اعتبارسنجی استلزامات تربیتی استخراج شده جمع‌آوری شود. جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه هدفمند با متخصصان برای سنجش اعتبار و اهمیت استلزامات تربیتی استخراج شده بود. به این منظور پرسشنامه ارزیابی استلزامات تربیتی از دیدگاه متخصصان، شامل ۱۰ مؤلفه استلزامات تربیتی مبتنی بر زیبایی‌شناسی با ۴۰ گویه تدوین گردید. اعتبار ابزار جمع‌آوری اطلاعات از طریق اعتبار صوری و محتوایی توسط متخصصان و نیز محاسبه ضریب لاوشه^۱ مورد بررسی قرار گرفت. تمامی مؤلفه‌های پرسشنامه پس از تأیید ضریب لاوشه به عنوان شاخص‌های معتبر برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها

بر اساس مرور آیات متعدد در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام، مفاهیم کلیدی زیبایی‌شناسی در تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های دینی را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

الف) زیبایی در آفرینش و ارتباط آن با اخلاق

زیبایی هستی‌شناختی و هدفمندی جهان: متون دینی به زیبایی جهان به عنوان نشانه‌ای از حکمت الهی اشاره دارند. این زیبایی، انسان را به سوی درک اخلاقی و نظم الهی سوق می‌دهد.

نظم در آفرینش به عنوان الگوی تربیت اخلاقی: در متون دینی، جهان به عنوان نظامی هماهنگ معرفی شده که این هماهنگی می‌تواند الگوی نظم اخلاقی در زندگی انسان باشد.

(نمونه آیات در سوره الرحمن (فبای الاء ربکما تکذبان)؛ نحل، آیه ۶۵؛ آل عمران، آیه ۱۹۰؛ غافر، آیه ۶۴؛ نمل، آیه ۶۰ و حکمت ۴۲۹ نهج‌البلاغه: خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد، قابل ملاحظه است.)

ب) زیبایی در رفتار و منش اخلاقی

نسبت زیبایی و فضایل اخلاقی: برخی از آموزه‌های دینی، صفات اخلاقی را به زیبایی تشبیه کرده‌اند (مانند حسن خلق، صداقت، احسان).

بعد زیبایی‌شناختی اعمال دینی: در آموزه‌های دینی، نماز، انفاق و نیکی به دیگران به عنوان وظایف دینی و جلوه‌هایی از زیبایی معنوی توصیف شده‌اند.

(نمونه آیات عبارتند از: هود، آیات ۳۷ و ۳۸؛ مائده، آیه ۹۳؛ فصلت، آیه ۳۴؛ مائده، آیه ۱۱۹؛ سوره شمس، آیه ۹؛ عصر، آیات ۱ تا ۳؛ یوسف، آیه ۱۸؛ بقره، آیه ۱۷۷ و در روایاتی همچون نامه ۲۷ نهج‌البلاغه: «با مردم فروتن باش، نرم‌خو و مهربان باش...»؛ حکمت ۴۵۸ نهج‌البلاغه؛ خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه: «پس پرهیزگاران را در این جهان فضیلت‌هاست...»؛ بحارالأنوار، ج ۲، ص ۳۳۴: کسی که در دلش رحم نداشته باشد ایمان نمی‌آورد مورد تأکید است.)

ج) زیبایی در گفتار و روابط انسانی اخلاق‌مدار

زیبایی زبان و گفتار اخلاقی: واژگان نرم و مهربانانه، از منظر دینی، نوعی زیبایی اخلاقی محسوب می‌شوند.

زیبایی‌شناسی در تعاملات اجتماعی: متون دینی به آداب معاشرت و برخورد نیکو به عنوان نوعی از زیبایی اشاره دارند (خوش‌رویی، ادب، مدارا)

1. Content Validity Ratio

(نمونه‌هایی از آیات قرآن در این رابطه عبارتند از: آل عمران، آیه ۱۳۴ و ۱۵۹؛ نساء، آیه ۵۸ و ۱۳۵؛ شعرا، آیه ۲۲۴ و در نهج البلاغه خطبه ۹۲، نامه ۵۳ و حکمت ۱۰. همچنین روایات دیگری که در کافی، ج ۲، ص ۸۵ و وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۰ نقل شده‌اند.)

(د) زیبایی در تربیت

زیبایی و جذابیت در فرآیند یادگیری اخلاق: زیبایی می‌تواند موجب جذب افراد به سمت ارزش‌های اخلاقی شود.

هنر و تربیت اخلاقی: استفاده از هنر، شعر، داستان‌های دینی، و معماری مذهبی به عنوان ابزارهایی برای القای اخلاقیات.

(سوره‌های ابراهیم، آیه ۱؛ اعراف، آیه ۲۹؛ بقره، آیه ۸۳ و ۲۵۷؛ یوسف، آیه ۴۵؛ شمس، آیات ۷ تا ۱۰ نمونه‌های موجود در این خصوص هستند)

(ذ) زیبایی در فضا و مکان

زیبایی در چیدمان فضا: یک فضای زیبا موجب ایجاد احساس آرامش و امنیت می‌شود.

استفاده از زینت‌ها و وسایل زیبا در فضا: برخورداری از عناصر زیبا در یک مکان، موجب تحریک دیدگاه‌های زیباشناسانه در افراد می‌شود.

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که زیبایی در آموزه‌های دینی نه تنها به عنوان یک ویژگی هنری، بلکه به عنوان یک اصل بنیادین در اخلاق و تربیت مطرح شده است. متون دینی، اخلاق نیکو را به زیبایی تشبیه کرده و نقش آن را در جذب انسان به سوی خیر و کمال تبیین کرده‌اند.

اکنون در پاسخ به سوال اول، بعد زیبایی‌شناختی مفهوم تربیت

اخلاقی چه استلزاماتی برای تربیت دارد؟

می‌توان به شناسایی استلزامات تربیتی این مفهوم اقدام نمود. تربیت اخلاقی از منظر زیبایی‌شناسی به طور کلی به ارتباط میان زیبایی و فضایل اخلاقی در فرآیند تربیت اشاره دارد. این رابطه باعث می‌شود که هم مفاهیم اخلاقی و هم روش‌های آموزشی و تربیتی با استفاده

از زیبایی‌شناسی، تأثیرگذاری ماندگارتری در پرورش شخصیت اخلاقی افراد داشته باشد.

(الف) نقش زیبایی در روش‌های آموزشی و تربیتی

یک- لزوم استفاده از زبان زیبا و جذاب در آموزش اخلاق

زبان و بیان زیبا به‌طور مستقیم با زیبایی‌شناسی ارتباط دارد و می‌تواند تأثیر عمیقی بر درونی‌سازی مفاهیم اخلاقی داشته باشد. تعلیم ارزش‌های اخلاقی باید به‌طور هنری و استعاری صورت گیرد، زیرا این روش‌ها باعث می‌شوند که مفاهیم اخلاقی در ذهن فرد نقش ببندند. در قرآن کریم، آیه‌ای داریم که به زیبایی زبان در دعوت به اسلام اشاره می‌کند: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، آیه ۸۳) و با مردم به نیکی سخن بگویید؛ این آیه بیانگر ضرورت استفاده از زبان زیبا، دلنشین و جذاب برای انتقال مفاهیم اخلاقی است. در سوره یوسف، وقتی حضرت یوسف از زندان خارج می‌شود، برخورد زیبایی را در بیان با شاه مصر نشان می‌دهد: «فَقَالَ رَبُّكُمْ عَلَّمَ بَمَا لَبِثْتُمْ» (یوسف، آیه ۴۵) پروردگار شما بهتر می‌داند که چه مدتی در اینجا بوده‌اید؛ این آیه تأکید دارد که حتی در لحظات سخت، می‌توان با زبان زیبا و مؤدبانه ارتباط برقرار کرد.

دو- توجه به زیبایی در فضای آموزشی و محیط‌های تربیتی

فضاهای آموزشی باید دارای هارمونی و جذابیت بصری باشند تا دانش‌آموزان و افراد در آن‌ها احساس راحتی و انگیزه برای یادگیری اخلاق پیدا کنند. در قرآن، زیبایی در طبیعت به عنوان دلیلی برای یادآوری و آموزش اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است: «فِي رِیَاضٍ خَضْرٍ وَ عُیُونٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا» (محمد، آیه ۱۵) در باغ‌های سبز و چشمه‌هایی که از زیر آن‌ها جاری است؛ این آیه می‌تواند نماد محیط‌های زیبا و دلپذیر باشد که به تربیت اخلاقی افراد کمک می‌کنند.

(ب) پیوند زیبایی و فضایل اخلاقی در فرآیند تربیت

یک- ترویج زیبایی در رفتار و منش اخلاقی

برای تربیت اخلاقی موفق، معلمان و والدین باید الگوهای زیبای رفتاری مانند صداقت، گذشت و حسن خلق را در عمل به نمایش

بگذارند تا افراد بتوانند این رفتارها را درونی کنند. در قرآن کریم، بر زیبایی رفتارهای اخلاقی مانند صداقت و گذشت تأکید شده است: «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ» (فصلت، آیه ۳۴) نیکی با بدی برابر نیست؛ در این آیه تأکید شده که رفتار خوب و زیبا، حتی در برابر بدی، از لحاظ اخلاقی ارزشمندتر است.

دو- توجه به نقش زیبایی در اخلاق عملی

اخلاقیات نه تنها باید مفید بلکه زیبا باشند. برای نمونه، مفاهیم اخلاقی مثل بخشندگی و محبت ذاتاً زیبا هستند و انسان‌ها به‌طور طبیعی جذب زیبایی می‌شوند. در قرآن، زیبایی در طبیعت به‌عنوان دلیلی برای یادآوری و آموزش اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است: «فِي رِیَاضٍ خَضِرٍ وَ عُیُونٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا» (محمد، آیه ۱۵) در باغ‌های سبز و چشمه‌هایی که از زیر آن‌ها جاری است؛ این آیه می‌تواند نماد محیط‌های زیبا و دلپذیر باشد که به تربیت اخلاقی افراد کمک می‌کند.

ج) استفاده از هنر در تربیت اخلاقی

یک- نقش هنرهای تجسمی و موسیقی در تقویت تربیت اخلاقی
هنر می‌تواند احساسات زیبایی‌شناختی را با ارزش‌های اخلاقی ترکیب کند و به نهادینه شدن اخلاق در فرد کمک کند. در قرآن، زیبایی در طبیعت به‌عنوان دلیلی برای یادآوری و آموزش اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است: «فِي رِیَاضٍ خَضِرٍ وَ عُیُونٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا» (محمد، آیه ۱۵) در باغ‌های سبز و چشمه‌هایی که از زیر آن‌ها جاری است؛ این آیه می‌تواند نماد محیط‌های زیبا و دلپذیر باشد که به تربیت اخلاقی افراد کمک می‌کنند. در قرآن و در آثار ادبی بزرگان، می‌توان استفاده از زبان زیبا و ادبیات به‌عنوان ابزاری برای تربیت اخلاقی مشاهده کرد. در این بخش، شعر و ادبیات می‌تواند مفاهیم اخلاقی را به‌طور مؤثر و زیبا منتقل کند.

دو- استفاده از زبان ادبی در بیان مفاهیم اخلاقی

قرآن کریم از زبان ادبی زیبا و تمثیل‌ها برای بیان مفاهیم اخلاقی استفاده کرده است. برای مثال، در سوره غاشیه، به زیبایی‌های خلق خدا اشاره می‌شود که هم نمادی از قدرت الهی و هم تذکری اخلاقی

به انسان‌هاست: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ» (غاشیه، آیات ۶-۷) آیا ندیده‌ای که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ با قوم إرم صاحب ستون‌ها؛ این آیات علاوه بر اینکه قدرت و عظمت خداوند را بیان می‌کنند، پیام‌های اخلاقی نیز در خود دارند. به‌ویژه اینکه انسان‌ها باید از تکبر و غرور پرهیز کنند.

شعر و ادبیات نیز به عنوان رسانه‌ای برای بیان مفاهیم اخلاقی در آموزه‌های اسلامی استفاده شده است. در سوره شعراء، شاعران به‌عنوان کسانی معرفی می‌شوند که می‌توانند پیام‌های اخلاقی را از طریق شعر و ادب به‌خوبی منتقل کنند: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (شعراء، آیه ۲۲۴) و شاعران کسانی هستند که گمراهان به دنبال آن‌ها می‌روند؛ در این آیه، شاعران می‌توانند به‌عنوان الگوهای اخلاقی یا گمراه‌کننده عمل کنند. بنابراین، شاعران می‌بایست در اشعار خود به ارزش‌ها و آموزه‌های اخلاقی توجه ویژه‌ای داشته باشند. کاربرد دیگر شعر تقویت مفاهیم اخلاقی در افراد است. در منابع مختلف، از شعر به‌عنوان ابزاری برای بیان مفاهیم اخلاقی استفاده شده است. برای مثال، اشعار امام علی (ع) در توصیه به اخلاق و رفتار نیکو به‌طور ملموس و زیبایی‌شناختی بر تربیت اخلاقی تأثیرگذار است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه در خطبه‌ای معروف به زیبایی رفتارهای اخلاقی اشاره می‌کند: «الناس عبيد الدنيا و ما داموا تحت رزقها» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۲) مردم برده دنیا هستند و تا زمانی که در چنگال رزق آن باشند، تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند؛ این جمله نیز از لحاظ ادبی دارای زیبایی است و مفهومی اخلاقی را به‌خوبی منتقل می‌کند. قرآن در سوره نحل از پدیده‌های زیبای طبیعی و معنوی برای آموزش اخلاقی استفاده می‌کند: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا» (نحل، آیه ۶۵) و از آسمان آبی به اندازه‌ای فرود آوردیم که به‌واسطه آن، سرزمینی مرده را زنده کردیم؛ این آیه به زیبایی و اهمیت بارش باران در حیات و طبیعت اشاره می‌کند که در آموزش‌های اخلاقی نیز به‌کار می‌رود.

د) هماهنگی تربیت اخلاقی با نظم و هماهنگی در طبیعت

یک- آموزش نظم و زیبایی در زندگی فردی و اجتماعی

افراد باید بیاموزند که طبیعت به طور ذاتی نظم و زیبایی دارد و این امر باید در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها نیز تجلی پیدا کند. در سوره نحل از پدیده‌های زیبای طبیعی و معنوی برای آموزش اخلاقی استفاده شده است: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا» (نحل، آیه ۶۵) و از آسمان آبی به اندازه‌ای فرود آوردیم که به واسطه آن، سرزمینی مرده را زنده کردیم؛ به زیبایی و اهمیت بارش باران در حیات و طبیعت اشاره می‌کند که در آموزش‌های اخلاقی نیز به کار می‌رود.

دو- تأکید بر زیبایی در طبیعت و اخلاق اجتماعی

در قرآن کریم، طبیعت به عنوان یکی از نشانه‌های نظم و زیبایی الهی ذکر شده است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (آل عمران، آیه ۱۹۰) قطعاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین

نشانه‌هایی است برای کسانی که تفکر می‌کنند. این آیه اشاره به زیبایی و نظم در طبیعت دارد که می‌تواند الگویی برای نظم در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها باشد.

با توجه به این آیات و ارتباط آن‌ها با مفاهیم زیبایی‌شناسی در تربیت اخلاقی، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم به طور فراگیر از زیبایی در آموزش و تربیت اخلاقی استفاده کرده است. این زیبایی نه فقط در کلام، بلکه در رفتار و تعاملات انسانی نیز جلوه گر است، و با بهره‌گیری از آن، می‌توان به امر تربیت اخلاقی مطلوب‌تر دست یافت.

در جدول ۱ استلزامات تربیت اخلاقی بر اساس زیبایی‌شناسی مفهوم تربیت اخلاقی نمایش داده شده است.

جدول ۱. مفاهیم تربیت اخلاقی بر اساس زیبایی‌شناسی

زیبایی‌شناسی تربیت اخلاقی	مفهوم تربیتی	نتیجه تربیتی
نقش زیبایی در روش‌های آموزشی (زیبایی در گفتار و روابط)	استفاده از زبان زیبا، جذاب و هنری در آموزش اخلاق	استفاده از زبان زیبا و استعاری موجب تأثیر عمیق‌تر و درونی‌سازی مفاهیم اخلاقی است
توجه به زیبایی بصری و محیطی (زیبایی در فضا)	طراحی فضای آموزشی با هارمونی بصری و جذابیت محیطی	محیط‌های آموزشی جذاب بر روان و رفتار اخلاقی تأثیر مثبت می‌گذارند
پیوند زیبایی و فضایل اخلاقی (زیبایی در رفتار و منش)	ترویج زیبایی در رفتار و منش اخلاقی	اخلاقیات باید زیبا و مفید باشند تا افراد به سوی آن‌ها جذب شوند
استفاده از هنر در تربیت اخلاقی (زیبایی در تربیت)	استفاده از هنرهای تجسمی، موسیقی و ادبیات به عنوان ابزار تربیتی	هنر می‌تواند احساسات زیبایی‌شناختی را با ارزش‌های اخلاقی ترکیب کند
هماهنگی با نظم طبیعت (زیبایی در آفرینش)	آموزش نظم و هماهنگی در زندگی فردی و اجتماعی	طبیعت به طور ذاتی زیبایی و نظم دارد و باید در رفتار انسانی تجلی یابد

جدول ۱ نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم زیبایی‌شناسی می‌توانند در فرایند تربیت اخلاقی استفاده شوند و راه‌های اجرایی این مفاهیم و در حقیقت استلزامات تربیتی مرتبط را بیان می‌کند. در اینجا، روش‌های آموزشی، رفتارهای عملی و استفاده از هنر به عنوان راهکارهایی برای تربیت اخلاقی از منظر زیبایی‌شناسی مطرح شده است. به عبارت

دیگر، یافته‌ها بیان می‌کند که چگونه می‌توان بر اساس مفاهیم اخلاقی را در تربیت عملی وارد و بر اساس آن‌ها محیط‌های آموزشی و تربیتی مناسب ایجاد نمود. بر اساس نتایج تربیتی به دست آمده می‌توان استلزامات تربیتی را دقیق‌تر مشخص نمود (جدول ۲):

جدول ۲. استلزامات تربیتی برگرفته از زیبایی‌شناسی تربیت اخلاقی

نتایج تربیتی مبتنی بر زیبایی‌شناسی مفهوم تربیت اخلاقی	استلزامات تربیتی
استفاده از زبان زیبا و استعاری موجب تأثیر عمیق‌تر و درونی‌سازی مفاهیم اخلاقی است	۱- استفاده از زبان و گفتمان هنری و استعاری در آموزش مفاهیم اخلاق ۲- استفاده از روش‌های آموزشی مبتنی بر زیبایی‌شناسی
محیط‌های آموزشی جذاب بر روان و رفتار اخلاقی تأثیر مثبت می‌گذارند	۳- طراحی فضای آموزشی جذاب برای درونی‌سازی مفاهیم اخلاقی ۴- استفاده از ظرفیت محیط‌های زیبا و الهام‌بخش در آموزش
اخلاقیات باید زیبا و مفید باشند تا افراد به‌سوی آن‌ها جذب شوند	۵- ترویج زیبایی با بهره‌گیری از اسوه‌های اخلاقی ۶- ایجاد ارتباط میان فضایل اخلاقی و زیبایی‌ها
هنر می‌تواند احساسات زیبایی‌شناختی را با ارزش‌های اخلاقی ترکیب کند	۷- استفاده از هنر به‌عنوان ابزار تربیتی برای تقویت اخلاق عملی ۸- هماهنگی زیبایی‌شناسی با سبک زندگی اخلاقی
طبیعت به‌طور ذاتی زیبایی و نظم دارد و باید در رفتار انسانی تجلی یابد	۹- ارتباط زیبایی‌شناختی با معنویت و اخلاق دینی ۱۰- به کارگیری هماهنگی و نظم در تربیت

سوال مرتبط با استلزامات تربیتی مبتنی بر زیبایی‌شناسی اخلاقی است و عبارتند از: هماهنگی و نظم در تربیت، زیبایی در بیان مفاهیم اخلاقی، بهره‌گیری از هنر در تربیت، محیط‌های زیبا و الهام‌بخش در تربیت، ارتباط میان فضایل اخلاقی و زیبایی‌شناسی، زبان و گفتمان اخلاقی، روش‌های آموزشی مبتنی بر زیبایی‌شناسی، ارتباط زیبایی‌شناختی با معنویت و اخلاق دینی، نقش الگوها و اسوه‌های اخلاقی و هماهنگی زیبایی‌شناسی با سبک زندگی اخلاقی. طیف پاسخ عبارت بود از چهار گزینه کاملاً ضروری، ضروری، کمتر ضروری و غیر ضروری. مشخصات متخصصان در جدول ۳ خلاصه شده است.

جدول ۲ بر اساس مفاهیم اخلاقی جدول ۱، استلزامات تربیتی را در ده مورد کلی نمایش می‌دهد. هر کدام از این استلزامات را می‌توان در رهنمودهای جزئی‌تر در اختیار مربیان و مربیان قرار داد.

سوال دوم: استلزامات تربیتی مبتنی بر بعد زیبایی‌شناختی مفهوم تربیت اخلاقی از دیدگاه متخصصان تا چه میزان اعتبار دارد؟

برای پاسخ به سوال سوم که به اعتبار استلزامات تربیتی مبتنی بر بعد زیبایی‌شناختی مفهوم تربیت اخلاقی از دیدگاه متخصصان می‌پردازد، یک پرسشنامه تدوین شد که از روش ضریب لاوشه جهت ارزیابی نظرات استفاده کرده است. این پرسشنامه شامل ده بخش و چهل

جدول ۳. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متخصصان

مشخصات دموگرافیک	تعداد	درصد
جنسیت		
زن	۵	۴۱.۶۷٪
مرد	۷	۵۸.۳۳٪
سطح تحصیلات		
دکتری تخصصی	۱۲	۱۰۰٪
سابقه تدریس		
۵ تا ۱۰ سال	۱	۸.۳۳٪
۱۱ تا ۱۵ سال	۶	۵۰٪
۱۶ سال و بیشتر	۵	۴۱.۶۷٪
مرتب علمی		
دانشیار	۱	۸.۳۳٪
استادیار	۱۱	۹۱.۶۷٪
رشته تحصیلی		
فلسفه تعلیم و تربیت	۷	۵۸.۳۳٪
برنامه ریزی درسی	۳	۲۵٪
فلسفه و کلام اسلامی	۲	۱۶.۶۷٪
رشته تدریس		
علوم تربیتی	۱۰	۸۳.۳۳٪
معارف اسلامی	۲	۱۶.۶۷٪
مجموع	۱۲	۱۰۰٪

در جدول ۴ نتایج محاسبات آماری همراه با تحلیل هر شاخص (هر بخش از پرسشنامه) ارائه شده است.

جدول ۴. محاسبات آماری ضریب لاوشه برای پرسشنامه استلزامات تربیتی

شماره بخش	عبارت هر بخش	میانگین	انحراف معیار	ضریب لاوشه
۱	هماهنگی و نظم در تربیت	۳/۸۲۵	۰/۲۵۱	۳/۸۲۵
۲	زیبایی در بیان مفاهیم اخلاقی	۳/۹۷۵	۰/۰۷۵	۳/۹۷۵
۳	بهره‌گیری از هنر در تربیت	۳/۹۵	۰/۱	۳/۹۵
۴	محیط‌های زیبا و الهام‌بخش در تربیت	۳/۹۷۵	۰/۰۷۵	۳/۹۷۵
۵	ارتباط میان فضایل اخلاقی و زیبایی‌شناسی	۴	۰	۴
۶	زبان و گفتمان اخلاقی	۳/۹۷۵	۰/۰۷۵	۳/۹۷۵
۷	روش‌های آموزشی مبتنی بر زیبایی‌شناسی	۳/۹۲۵	۰/۱۱۵	۳/۹۲۵
۸	ارتباط زیبایی‌شناختی با معنویت و اخلاق دینی	۳/۹۷۵	۰/۰۷۵	۳/۹۷۵
۹	نقش الگوها و اسوه‌های اخلاقی	۳/۹۲۵	۰/۱۱۵	۳/۹۲۵
۱۰	هماهنگی زیبایی‌شناسی با سبک زندگی اخلاقی	۴	۰	۴

تحلیل شاخص‌ها نشان می‌دهد میانگین‌ها به طور کلی در سطح بالایی قرار دارند و بیانگر این است که تمام سؤالات برای متخصصان مورد تأیید قرار گرفته‌اند و افراد پاسخ‌دهنده به اصول زیبایی‌شناسی و تربیتی مورد سوال، نظر مساعد داشته‌اند. همچنین ضریب لاوشه در اینجا به طور کامل با میانگین‌ها تطابق دارد و از آنجایی که تمامی سؤالات امتیاز بالا دارند (بین ۳/۸ تا ۴)، نشان‌دهنده اعتبار و دقت بالای پرسشنامه است. در ادامه توضیحات مربوط به هر بخش ارائه می‌شود.

هماهنگی و نظم در تربیت با ضریب لاوشه ۳/۸۲۵، به معنای نمرات متوسط پاسخ‌دهندگان به این بخش است. از آنجا که میانگین این بخش نزدیک به ۴ است و ضریب لاوشه برابر با ۳/۸۲۵ است، می‌توان گفت که این بخش توسط متخصصان تقریباً تأیید شده است. نظرات اندکی متفاوت بوده، اما به طور کلی هماهنگی و نظم در تربیت به عنوان یکی از اصول مهم شناخته می‌شود.

زیبایی در بیان مفاهیم اخلاقی با ضریب لاوشه = ۳/۹۷۵، نشان‌دهنده این است که متخصصان به زیبایی بیان مفاهیم اخلاقی توجه زیادی دارند و بخش بسیار مهمی از تربیت اخلاقی محسوب می‌شود. نمرات

بسیار نزدیک به ۴ و ضریب لاوشه بالای ۳/۹۷۵ نشان‌دهنده توافق بالا بین پاسخ‌دهندگان است.

بهره‌گیری از هنر در تربیت با ضریب لاوشه ۳/۹۵ نیز نشان‌دهنده پذیرش وسیع این ایده است که هنر می‌تواند در تربیت اخلاقی و زیبایی‌شناسی نقشی مؤثر داشته باشد. این نتیجه می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت جنبه‌های هنری در فرایند تربیت اخلاقی باشد.

محیط‌های زیبا و الهام‌بخش در تربیت با ضریب لاوشه ۳/۹۷۵ بیانگر آن است که متخصصان به شدت بر اهمیت محیط‌های زیبا و الهام‌بخش در تربیت تأکید دارند. این بخش از ارزیابی نشان می‌دهد که توجه به محیط تربیتی و زیبایی‌شناسی آن، در فرآیند تربیت اخلاقی امری ضروری به نظر می‌آید.

ارتباط میان فضایل اخلاقی و زیبایی‌شناسی با ضریب ۴ به وضوح نشان‌دهنده اهمیت بالای این مفهوم است. متخصصان به طور کامل با این ایده که فضایل اخلاقی و زیبایی‌شناسی ارتباط نزدیکی دارند، موافق هستند.

زبان و گفتمان اخلاقی با ضریب ۳/۹۷۵، به عنوان یک ابزار تربیتی بسیار اهمیت دارد و تأکید بر زیبایی‌شناسی در گفتمان اخلاقی در

فرایند تربیت اخلاقی پذیرفته شده است. این بخش، همچنان نظرات مثبتی از متخصصان دریافت کرده است. روش‌های آموزشی مبتنی بر زیبایی‌شناسی با ضریب ۳/۹۲۵، نشان می‌دهد برخلاف برخی تفاوت‌ها نظرها همچنان از نمرات بالایی برخوردار است. ارتباط زیبایی‌شناختی با معنویت و اخلاق دینی با ضریب لاو شه ۳/۹۷۵ نشان دهنده پذیرش بالای این مفهوم است که زیبایی‌شناسی می‌تواند در تقویت اخلاق دینی و معنوی نقش مهمی ایفا کند. متخصصان در خصوص نقش الگوها و اسوه‌های اخلاقی با ضریب ۳/۹۲۵، به این نکته اشاره دارند که الگوهای اخلاقی و اسوه‌ها در تربیت اخلاقی اهمیت زیادی دارند. در نهایت، هماهنگی زیبایی‌شناسی با سبک زندگی اخلاقی با ضریب لاو شه ۴ نشان‌دهنده این است که متخصصان به شدت با هماهنگی زیبایی‌شناسی با سبک زندگی اخلاقی موافق هستند. این بخش در ارزیابی نشان می‌دهد که تربیت اخلاقی باید با زیبایی‌شناسی و هنر هم‌راستا باشد و این امر به طور کامل تایید شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش، شناسایی استلزامات تربیتی ناشی از پیوند میان زیبایی‌شناسی و تربیت اخلاقی بود، به گونه‌ای که مربیان و متریان بتوانند با بهره‌گیری از زیبایی‌شناسی، فرآیند تربیت اخلاقی را اثربخش‌تر و ماندگارتر سازند. زیبایی‌شناسی در این زمینه، توجه به ارتباط میان زیبایی و فضایل اخلاقی را دربرمی‌گیرد و بر روش‌های آموزشی، محیط‌های تربیتی، رفتار عملی افراد و ابزارهای هنری تأثیرگذار است. چنین رویکردی باعث می‌شود مفاهیم اخلاقی نه تنها به صورت نظری، بلکه در رفتار و منش مربیان نیز بازتاب یابند و یادگیری عمیق‌تر و درونی‌سازی ارزش‌ها تسهیل شود.

یکی از مهم‌ترین استلزامات تربیتی، استفاده از زبان زیبا و استعاری در آموزش مفاهیم اخلاقی است. این زبان هم عقلانیت و هم عاطفه مربیان را درگیر کرده و فرآیند درونی‌سازی ارزش‌ها را تقویت می‌کند. علاوه بر زبان، محیط‌های آموزشی نقش کلیدی دارند. طراحی فضاهای آموزشی با هارمونی بصری، جذابیت محیطی و

نورپردازی مناسب می‌تواند روان دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار داده و پذیرش و عمل به مفاهیم اخلاقی را تقویت کند. محیط آموزشی باید علاوه بر غنای علمی، از نظر زیبایی‌شناسی نیز الهام‌بخش باشد و فضایی ایجاد کند که یادگیری اخلاقی را تسهیل نماید. ترویج زیبایی در رفتار و منش اخلاقی نیز از دیگر الزامات اساسی است. اخلاقیاتی که به صورت زیبا و جذاب عرضه شوند، قدرت تأثیرگذاری بیشتری خواهند داشت. در این مسیر، هنر جایگاه ویژه‌ای دارد. هنرهای تجسمی، موسیقی و ادبیات می‌توانند ارزش‌های اخلاقی را در قالبی زیبا و تأثیرگذار منتقل کنند و اخلاق عملی را تقویت نمایند. بنابراین، هنر نه تنها وسیله‌ای برای بیان احساسات است، بلکه کارکردی تربیتی و اخلاقی نیز دارد. همچنین، ارتباط با طبیعت به عنوان منبع ذاتی زیبایی و نظم می‌تواند فضایل اخلاقی مانند نظم، تعهد و هماهنگی را در زندگی فردی و اجتماعی تقویت کند. رویکرد زیبایی‌شناسانه تنها به محیط‌های مصنوعی محدود نمی‌شود، بلکه در پیوند انسان با طبیعت نیز نقش تربیتی و اخلاقی دارد.

یافته‌های پرسش دوم نشان داد که استلزامات تربیتی مبتنی بر زیبایی‌شناسی از دیدگاه متخصصان اعتبار بالایی دارند و نتایج ضریب لاو شه میزان توافق گسترده آنان بر اهمیت این مؤلفه‌ها را تأیید می‌کند. در بعد «هماهنگی و نظم در تربیت» با ضریب ۳/۸۲۵، متخصصان بر ضرورت انسجام و پیوستگی در محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و محیط یادگیری تأکید دارند، زیرا هرگونه بی‌نظمی می‌تواند به سردرگمی اخلاقی منجر شود. بعد «زیبایی در بیان مفاهیم اخلاقی» با ضریب ۳/۹۷۵ نشان می‌دهد که استفاده از زبان استعاری، ادبی و هنری نقش کلیدی در آموزش اخلاق دارد و ارائه جذاب مفاهیم به درونی‌سازی سریع‌تر آن‌ها کمک می‌کند.

بهره‌گیری از هنر در تربیت با ضریب ۳/۹۵ تأیید می‌کند که هنرهایی چون موسیقی، نقاشی و ادبیات، احساسات مربیان را درگیر کرده و انتقال ارزش‌های اخلاقی را تسهیل می‌نماید. محیط‌های زیبا و الهام‌بخش نیز با ضریب ۳/۹۷۵ اهمیت ویژه‌ای دارند؛ طراحی بصری

مناسب، استفاده از رنگ‌های الهام‌بخش و ایجاد فضایی آرام می‌تواند یادگیری اخلاقی را عمیق‌تر کند. در این میان، ارتباط میان فضایل اخلاقی و زیبایی‌شناسی با ضریب ۴، بالاترین امتیاز را کسب کرده و نشان می‌دهد فضایل اخلاقی مانند مهربانی، عدالت‌جویی و خوش اخلاقی به‌طور ذاتی با زیبایی پیوند دارند و ارائه آن‌ها در قالب زیبا، پذیرششان را آسان‌تر می‌سازد.

زبان و گفتمان اخلاقی نیز با ضریب ۳.۹۷۵ تأکید می‌کند که استفاده از زبان مثبت، انگیزشی و پرهیز از تحکم در انتقال ارزش‌ها ضروری است؛ این رویکرد با آموزه‌های دینی و توصیه به نرم‌خویی و رحمت هم‌خوانی دارد. بعد «روش‌های آموزشی مبتنی بر زیبایی‌شناسی» با ضریب ۳.۹۲۵ نیز معتبر است و روش‌هایی مانند داستان‌گویی، نمایش‌های هنری و مشارکت فعال را برای آموزش اخلاق توصیه می‌کند. همچنین، ارتباط زیبایی‌شناختی با معنویت و اخلاق دینی با ضریب ۳.۹۷۵ اهمیت بالایی دارد؛ مفاهیمی مانند نور، طهارت، هماهنگی، عشق و رحمت نشان‌دهنده پیوند عمیق میان زیبایی و اخلاق است و می‌تواند معنویت را در زندگی افراد تقویت کند. نقش الگوها و اسوه‌های اخلاقی با ضریب ۳.۹۲۵ بیانگر آن است که رفتار اسوه‌ها باید از جنبه زیبایی‌شناختی نیز برخوردار باشد تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. نهایتاً، هماهنگی زیبایی‌شناسی با سبک زندگی اخلاقی با ضریب ۴، نشان می‌دهد سبک زندگی بر پایه نظم، اعتدال، هنر و تقوا فضایل اخلاقی را تقویت می‌کند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که متخصصان زیبایی‌شناسی را جدایی‌ناپذیر از تربیت اخلاقی می‌دانند و بر لزوم ادغام آن در برنامه‌های آموزشی و تربیتی تأکید دارند. ضرایب بالای لاوشه در تمامی ابعاد، توافق بالای صاحب‌نظران را نشان می‌دهد و پیشنهاد می‌شود طراحی آموزشی با تأکید بر زبان زیبا، محیط الهام‌بخش، هنر، معنویت و سبک زندگی هماهنگ با زیبایی‌شناسی صورت گیرد تا تربیت اخلاقی عمیق‌تر و ماندگارتری شکل گیرد. یافته‌های مشابه در مطالعات پیشین (Adamzadeh, 2018; Adamzadeh et al., 2016) نیز

مشاهده شده است. بر اساس این یافته‌ها، پیشنهادهای کاربردی برای بهبود نظام‌های تربیتی شامل موارد زیر است:

- ۱- طراحی فضاهای آموزشی بر اساس اصول زیبایی‌شناختی؛ از مدارس گرفته تا دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی، با معماری متناسب، نورپردازی مطلوب، چیدمان هنری و فضای سبز، به گونه‌ای که اثر ناخودآگاه زیبایی بر ذهن و روح دانش‌آموزان تقویت شود.
 - ۲- استفاده از هنر در آموزش اخلاقی؛ شامل داستان‌سرایی، شعر، نقاشی، موسیقی و نمایش، به منظور درک عمیق مفاهیم و برانگیختن احساسات زیبایی‌شناختی.
 - ۳- ارتقای گفتمان اخلاقی بر پایه زیبایی‌شناسی؛ استفاده از زبان لطیف، ادبی و انگیزشی، بهره‌گیری از استعاره‌های الهام‌بخش و پرهیز از زبان تهدیدآمیز و بازدارنده.
 - ۴- پیوند میان رفتارهای اخلاقی و جلوه‌های زیبایی‌شناختی؛ آموزش ساده‌زیستی زیبا، ارتباط میان خودنگهداری و معنویت و تشویق به آراستگی متناسب با ارزش‌های اخلاقی.
 - ۵- معرفی اسوه‌های اخلاقی و زیبا در متون درسی و رسانه‌های آموزشی؛ شخصیت‌هایی که رفتار، گفتار و منش آن‌ها تجلی زیبایی و اخلاق است.
 - ۶- تأکید بر پیوند زیبایی‌شناسی و معنویت؛ استفاده از موسیقی‌های عرفانی، معماری اسلامی، تلاوت‌های زیبا و هنر خوشنویسی برای تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی.
- در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهند که ادغام زیبایی‌شناسی با تربیت اخلاقی می‌تواند فرآیند آموزش و پرورش اخلاقی را عمیق‌تر، ماندگارتر و تأثیرگذارتر سازد و نقش محیط، هنر، زبان و طبیعت در تحقق این هدف کلیدی است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Human societies have consistently sought to establish favorable conditions for life, growth, and human flourishing, with the ultimate aim of elevating individuals to higher levels of moral virtues. Despite these efforts, the prevalence of moral disarray in contemporary societies has raised significant concerns among educators and scholars. From an educational perspective, this indicates that institutions must intensify their focus on moral training and ensure effective mechanisms for the transmission and internalization of values. While the innate inclination toward moral perfection exists, its realization depends on supportive external and environmental conditions. As such, moral education remains one of the central preoccupations of modern education, demanding continual revisions to curricula, teaching methodologies, and school environments in alignment with cultural contexts (Althof & Berkowitz, 2006).

Islam, as a religion oriented toward human perfection and nearness to God, places unique emphasis on moral education. A substantial portion of the Qur'an is devoted to moral principles, complemented by the exemplary practices of the Prophet and the Imams. From the perspective of educational implications, these sources mandate that educators not only transmit ethical propositions but also create opportunities for their enactment in daily life. This approach integrates moral training into the lived experiences of individuals and communities (Mousavi et al., 2014). Although the components and priorities of moral education vary across societies, moral values permeate all domains of human life and inform the goals, content, and methodologies of teaching (Frisancho & Delgado, 2018). For this reason, administrators and teachers must place morality at the heart of the teaching-learning process.

Moral education is multidimensional, encompassing cognitive, affective, behavioral, social, and spiritual domains. Cognitively, it cultivates the ability to reason about moral dilemmas, requiring curricula to encourage discussion and critical reflection. Affectively, it fosters emotions such as empathy and compassion, which motivate ethical behavior (Eisenberg, 2000). Behaviorally, it emphasizes the practice of virtues through social and charitable activities, while socially, it recognizes the roles of peers, family, and culture in shaping values (Nucci, 2020). Spiritually, it underscores virtues such as justice, honesty, respect, and a relationship with God (Nasr, 2015).

A particularly significant dimension is aesthetics, which connects beauty, art, and morality. Aesthetic experiences inspire ethical reflection and cultivate empathy (Dutton, 2009; Nussbaum, 2010; O'Neill, 2016). Integrating aesthetics into moral education means using art, storytelling, and creative practices as tools for deepening moral understanding. Studies confirm that when ethical concepts are presented aesthetically, they become more memorable and influential (Brady, 2019; Saleh, 2021). In the modern era, where young people are inundated with powerful visual and cultural stimuli, the aesthetic dimension of moral education becomes even more essential (Miu, 2024; Saminatech, 2024).

Previous research highlights the pedagogical value of aesthetics. Asgharzadeh et al. demonstrated that aesthetic frameworks enrich educational processes (Asgharzadeh et al., 2024), while Dehghan Maneshadi et al. identified Qur'anic principles of harmony and purposefulness as sources for spiritually and morally aesthetic pedagogy (Dehghan Maneshadi et al., 2024). Other studies traced philosophical, scriptural, and curricular foundations of aesthetic and moral training (Adamzadeh et al., 2016; Akrami et al., 2021; Alipour Moghaddam & Maleki, 2022; Bassareh

et al., 2023; Davoodi et al., 2022; Hosseinzadeh, 2021; Naseri Esfandehgeh et al., 2022; Sharbatdar, 2020; Tahmasbzadeh Sheikhlari & Jalilzadeh, 2021; Tajri et al., 2020; Taleifard et al., 2022; Vojdani & Saeedi, 2021; Zamani Koukhaloo et al., 2021). Research also points to the broader social role of aesthetics, linking Islamic aesthetics with order, dignity, and social tranquility (Al-Mutairi, 2024; Al Rujaihi, 2022; Eskandarlu, 2023; Shah & Mustafa, 2024).

These insights highlight the urgent need for aesthetic integration into education to counterbalance mechanized modern life, and to support spiritual and ethical development. This study, therefore, aimed to identify the educational implications of aesthetics in moral education and assess their validity from the perspective of experts.

Methods and Materials

This study adopted a qualitative–theoretical design supplemented by quantitative validation. First, concepts of moral aesthetics were extracted inductively from religious and educational sources, including the Qur'an, Hadith, and Islamic pedagogical texts. Deductive reasoning was then applied to formulate educational implications within the framework of Islamic moral education. Thematic coding techniques were used to structure these implications.

For validation, 12 experts in education, each with over five years of teaching and research experience in moral education, were purposively sampled. Data were collected through semi-structured interviews and a structured questionnaire containing 40 items distributed across ten thematic categories of aesthetic-based educational implications. The validity of the instrument was examined through expert review and Lawshe's content validity ratio (CVR). Data were analyzed using descriptive statistics and CVR computation to assess the consensus of experts regarding each implication.

Findings

Analysis of religious texts revealed multiple dimensions of aesthetics in moral education. These included the beauty of creation as an expression of

divine wisdom and order; the alignment of ethical virtues with beauty; the aesthetic quality of religious practices such as prayer and charity; the role of gentle and beautiful language in interpersonal relations; and the impact of aesthetically pleasing environments on learning. These findings emphasized that beauty is not only an artistic element but also a fundamental principle in moral life.

From these foundations, ten major educational implications were identified:

1. Using artistic and metaphorical language in teaching ethics.
2. Employing aesthetic-based teaching methods.
3. Designing attractive educational environments.
4. Utilizing inspiring natural and built environments.
5. Promoting beauty through moral role models.
6. Establishing links between moral virtues and aesthetic values.
7. Employing art as an educational tool for practical morality.
8. Aligning aesthetics with an ethical lifestyle.
9. Integrating aesthetics with spirituality and religious morality.
10. Applying harmony and order in moral training.

Validation results confirmed the high reliability of these implications. CVR scores ranged from 3.825 to 4.0, with the highest ratings assigned to the integration of moral virtues with aesthetics and the alignment of aesthetic principles with ethical lifestyles. Experts strongly endorsed the importance of aesthetic language, inspiring environments, and the use of art in moral education. These findings indicated a broad consensus among specialists on the centrality of aesthetics in strengthening moral pedagogy.

Discussion and Conclusion

The study demonstrated that aesthetics provides a transformative dimension to moral education,

enriching cognitive, affective, behavioral, and spiritual aspects of ethical formation. By incorporating beauty into language, environment, teaching methods, and lifestyle, educators can enhance the internalization of moral values and foster enduring ethical behaviors.

The use of beautiful and metaphorical language engages both intellect and emotion, strengthening value absorption. Similarly, aesthetically designed learning environments positively influence psychological readiness and receptivity to moral principles. The promotion of beauty through exemplary moral figures shows that when virtues are embodied attractively, they become more persuasive and inspiring.

Art emerged as a particularly powerful tool, capable of combining emotional resonance with moral instruction. Music, literature, and visual arts not only communicate ethical messages but also cultivate sensitivity, empathy, and imagination. Likewise, the alignment of human life with the harmony of nature reinforces values such as order, responsibility, and balance.

The validation phase confirmed expert consensus on the indispensability of aesthetics in moral training. The consistently high CVR scores demonstrated that scholars perceive aesthetics as inseparable from ethical education. These results align with prior research affirming the role of aesthetic frameworks in pedagogy.

In conclusion, the study highlights that integrating aesthetics into moral education deepens learning, sustains value internalization, and bridges the gap between abstract moral concepts and lived ethical practice. Educational systems that embrace aesthetic principles—through language, art, environment, and spirituality—can offer more effective and enduring moral formation, ultimately shaping individuals who embody virtues not only as abstract ideals but as beautiful realities in their daily lives.

References

Adamzadeh, E. (2018). *Analysis of the Nature of Beauty from the Perspective of Allameh*

Tabatabai and Its Educational Implications, and the Explanation of a Conceptual Model of Aesthetics for the Educational System Payame Noor University].

Adamzadeh, E., Sarmadi, M. R., Farajollahi, M., & Esmaeili, Z. (2016). From Allameh Tabatabai's Epistemology to Multifaceted Thinking in Aesthetic Education with a Look at the Holy Quran. *Educational Teachings in Quran and Hadith*, 2(3), 113-130.

Akrami, S. K., Delavar, A., & Tamsoki, M. R. (2021). The Current State of Religious and Moral Education of Students Based on the Indicators of the Transformation Document. *Educational Sciences from an Islamic Perspective*, 9(16), 126-150.

Al-Mutairi, M. A. (2024). The Beauty of Storytelling in the Holy Quran: Exploring and Analysing the Quranic Storytelling. *American Journal of Educational Research*, 12(4), 123-127. <https://doi.org/10.12691/education-12-4-1>

Al Rujaibi, I. (2022). Aesthetic Characteristics in the Qur'ān. *Ilahiyat Studies*, 13(1), 119-151. <https://doi.org/10.12730/13091719.2022.131.235>

Alipour Moghaddam, K., & Maleki, H. (2022). Identification and Validation of the Foundations and Goals of Moral Education Curriculum Models. *Educational Strategies in Medical Sciences*, 15(3), 280-289.

Althof, W., & Berkowitz, M. W. (2006). Moral education and character education: Their relationship and roles in citizenship education. *Journal of Moral Education*, 35(4), 495-518. <https://doi.org/10.1080/03057240601012204>

Asgharzadeh, A., Mahmoudi, M., Sarmadi, M. R., & Masoumi Fard, M. (2024). Understanding the Categories of Aesthetics; Inspiring Horizons in Educational Activities (Re-recognition of the Fundamental Transformation Document). *School and Educational Studies*, 13(39), 33-56.

Bassareh, Z., Hashemi, S. A., & Mashinchi, A. A. (2023). Analysis of the Philosophical Foundations of Moral Education from the Perspective of Imam Ali (A.S.) in Nahj al-Balagha and Presenting a Model of Moral Education. *Education in Law Enforcement Sciences*, 11(42), 149-184.

Brady, M. S. (2019). Aesthetic Value and Moral Education. *Journal of Aesthetic Education*.

Curren, R. (2019). Wisdom and the origins of moral knowledge. In *Virtue ethics: Retrospect and prospect* (pp. 67-80).

- https://doi.org/10.1007/978-3-030-15860-6_6
- Davoodi, M., Mousavi, S. R., & Salehiyan, S. (2022). Virtuous Moral Education. *Scientific Quarterly of Islamic Education*, 17(41), 1-14.
- Dehghan Maneshadi, A., Mashinchi, A. A., Gholtash, A., & Hashemi, S. A. (2024). Explaining the Foundations of Beauty in the Quran and Presenting a Model for Aesthetic Education Based on It. *Theology of Art*, 12(25), 233-251.
- Dutton, D. (2009). *The art instinct: Beauty, pleasure, and human evolution*. Oxford University Press.
- Eisenberg, N. (2000). Emotion, regulation, and moral development. *Annual review of psychology*, 51(1), 665-697. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.51.1.665>
- Eskandarlu, M. (2023). Elements of beauty in Quranic phrases. *Literary arrangements of the Qur'an*, 1(3), 5-26.
- Frisancho, S., & Delgado, G. E. (2018). Moral education as intercultural moral education. *Intercultural Education*, 29(1), 18-39. <https://doi.org/10.1080/14675986.2017.1405214>
- Gregory, M. R., & Oliverio, S. (2018). *Philosophy for/with Children, Religious Education and Education for Spirituality. Steps toward a Review of the Literature*. <https://philpapers.org/rec/GREPFC-3>
- Hosseinzadeh, O. (2021). A Model for Aesthetic Education Based on the Foundations of Beauty in the Quran. *Educational Sciences from an Islamic Perspective*, 9(16), 111-137.
- Kulmatov, P. M., & Tajibayev, M. A. (2021). Interaction of moral, aesthetic and ecological education. *Scientific Progress*, 2(1), 1149-1154.
- Miu. (2024). *Art and moral values: The connection between aesthetics and ethics*.
- Mousavi, S. S., Sarmadi, M. R., & Esmaeili, Z. (2014). Re-creation: Investigation and Analysis of the Role of Art (Aesthetics) in Religious Education and Moral Education. National Conference of the Iranian Philosophy of Education Association (Philosophy of Religious Education and Moral Education),
- Musthofa, T. (2020). The aesthetic reception of the Qur'an in the calligraphic paintings of Saiful Adnan. *Journal of Islamic Art and Culture*, 5(1), 45-59.
- Naseri Esfandehgeh, R., Kamyab, H., & Kahnuji, M. (2022). Analysis of the Meanings and Applications of Reproach in Nahj al-Balagha; Aligned with Methods of Moral Education (Case Study of Letters 17, 39, and 41). <https://civilica.com/doc/1548684>
- Nasr, S. H. (2015). *The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity*. HarperOne.
- Nucci, L. P. (2020). *Education in the moral domain*. Cambridge University Press.
- Nussbaum, M. C. (2010). *Not for profit: Why democracy needs the humanities*. Princeton University Press. <https://culturemachine.net/wp-content/uploads/2019/05/501-1115-1-PB.pdf>
- O'Neill, S. A. (2016). Becoming a music learner: Towards a theory of transformative music engagement.
- Saleh, F. (2021). The Role of Aesthetics in Islamic Moral Education. *Journal of Islamic Studies*.
- Saminatch. (2024). *Aesthetic concepts in religious education*.
- Shah, S. H. G., & Mustafa, H. G. (2024). Significance of aesthetics and its impacts in our social life in the perspective of Islamic teachings. *Tanazur*, 5(2), 380-393.
- Sharbatdar, H. A. (2020). Aesthetic Literary Stylistics in the 30th Part (Juz) of the Holy Quran. *Stylistic Studies of the Holy Quran*, 4(6), 56-72.
- Tahmasbzadeh Sheikhlari, D., & Jalilzadeh, M. (2021). Explaining the Components of Spiritual Education in Religious (Quran) and Non-Religious (Secularism) Teachings and Its Compliance with the Upstream Documents of the Curriculum. *Quarterly Journal of Research in Islamic Education Issues*, 29(50), 231-277.
- Tajri, T., Hejazi, Z., Espoo, S., & Espoo, S. (2020). Analyzing the Elements of the Aesthetic Education Curriculum Model in Elementary School Based on the Teachings and Miracles of the Holy Quran. *Theories and Practice in Teacher Education*, 6(10), 89-108.
- Taleifard, A., Rahnama, A., & Mousavi, R. (2022). Explaining the Ontological Foundations of the Ethics of Happiness and Inferring Its Implications for the Principles of Moral Education from the Viewpoint of Ayatollah Javadi Amoli. *Quarterly Journal of Research in Islamic Education Issues*, 30(56), 59-86.
- Vojdani, F., & Saeedi, E. (2021). A Reflection on Moral Education through Peer Assessment Based on Verses and Narrations. *Educational Sciences from an Islamic Perspective*, 9(16), 115-144.
- Zamani Koukhaloo, L., Sepahmansour, M., & Abolmaali, K. (2021). The Role of Educating Moral Values on the Manifestation of

Human Perfections from the Perspective of
Quranic Teachings. *Quranic Studies*
Quarterly, 12(47), 375-397.